

خاطرات روزهای آغازین جنگ تحمیلی

حاجی رضا خدابخشی

رئیس ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمان جنگ تحمیلی



خرم آباد

انشارات شاپور خواست

۱۳۹۳

سرشناسه	خدابخشی، حاجی‌رضا، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	خاطرات روزهای آغازین جنگ تحمیلی / حاجی‌رضا خدابخشی
مشخصات نشر	خرم‌آباد: انتشارات شاپورخواست ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۹۵ ص. مصور
شابک	ISBN: 978-600-260-157-5
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
موضوع	خدابخشی، حاجی‌رضا، ۱۳۳۸ -
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - - خاطرات
رده‌بندی کنگره	DSR ۱۶۲۹ / خ ۳۴/۳ ۱۳۹۳
رده‌بندی دیویی	۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	۲۵۱۳۸۲۷



خاطرات روزهای آغازین جنگ تحمیلی

نویسنده: حاجی‌رضا خدابخشی

ویراستار: فاطمه عاله‌پور

امور رایانه‌ای: افسانه هنامی

ناشر: انتشارات شاپورخواست

محل نشر: خرم‌آباد، همراه: ۱۱-۰۹۱۶۳۹۸۴

شمارگان: ۱۰۰۰ - نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

لیتوگرافی - چاپ: آفتاب - زیتون

طرح جلد: سهیمه اسدزاده

شابک: ۵-۱۵۷-۲۶۰-۶۰۰-۹۷۸

بها: ۶۰۰۰۰ ریال

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	۹
اولین روز جنگ، (بمباران پایگاه شکاری وحدتی دزفول ۱۳۵۹/۶/۳۱)	۱۳
سقوط F5 خلبان اکبری	۱۹
انفجار ایستگاه و پایگاه دوکوهه	۲۳
بسیج ملی	۲۷
۱۳۵۹/۷/۲۴ روز سقوط خرمشهر	۳۱
تأثیر انفجار دوکوهه بر پادگان باباعباس	۳۹
ظهور بسیج مستضعفان	۴۳
خوراکی زنان بختیاری	۴۵
اولین بمباران شهر خرم آباد	۴۹
جنگ و ضرورت تحول نهاد	۵۵
خاطره تلخ اختلاف و شهادت پورکیان	۵۹
بازدید والدین شهدا از جبهه آبادان	۶۱

- ۶۵ کمبود مکان برای رزمندگان
- ۶۷ فرمانده سپاه خرمشهر جان بر سر مجروحان الیگودرزی نهاد.
- ۷۱ شهدای فتح خرمشهر
- ۷۵ شهید محمدرضا فطرس: تو را به خدا این طور برایم نخوان
- ۷۷ معاونین و مهاجرین
- ۸۱ شهادت باقری افشردی
- ۸۳ دیدار رزمندگان جنوب با امام خمینی فروردین ۱۳۶۰
- ۸۷ مصدوم شدن معاونین شهید علی صیادشیرازی
- ۸۹ سقوط خلبان خراعی
- ۹۱ تنگ‌بی آب
- ۹۳ هلی کوپتر در آسمان آتش گرفت

مقدمه

هشت سال دفاع ملت ایران از کشور و انقلاب اسلامی در برابر استکبار و اعراب به رهبری صدام حسین، مملو از اتفاقات عجیبی است که هر برگ تاریخ آن، نکات ظریف و بی بدیلی برای ملت ایران به همراه دارد. محور دکترین انقلاب، بر اساس مذهب شیعه با تأسی از انقلاب امام حسین^(ع) در کربلا است و این در حالی بود که غالب جمعیت کشور عراق در زمان جنگ شیعه مذهب بودند اما به دلیل خفقان دوره‌ی حاکمیت حزب بعث از نعمت آزادی و استفاده از مواهب مذهبی بی بهره مانده بودند و این، خود از دلایل کینه‌ی دیرینه‌ی مردم عراق نسبت به حاکمیت آن کشور شده بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، پنجره‌ی امیدی نیز به روی مردم عراق باز شد. وجود یک روحانی گران قدر یعنی آیت الله صدر که با امام خمینی^(ره) در ارتباط بود، امیدواری مردم عراق را دوچندان کرده بود. به همین دلیل صدام خود را در آستانه‌ی سقوط می‌دید و سعی در نبرد با انقلاب اسلامی و نابودی آن داشت.

ارتش ایران به دلیل وقوع انقلاب و حذف برخی از سران، دچار شوک شده و هنوز به خود نیامده بود.

شبه‌نظامیان مردمی که تا آن روز غالباً کمیته‌چی‌ها بودند، فقط سرگرم مبارزه با اراذل و پسمانده‌های ساواک بودند؛ با این وجود، صدام همه‌ی معادلات را برای تسخیر حداقل بخشی از ایران و ساقط نمودن انقلاب اسلامی به نفع خود می‌دید.

صدام قبل از هر کاری رهبر دینی مردم عراق "آیت‌الله صدر" و خواهرش "بت‌الهدی صدر" را شهید کرد. و با سازوبرگ کامل نظامی با عملیاتی غافلگیرانه در ۱۳۵۹/۶/۳۱ از زمین، هوا و دریا به ایران حمله‌ور شد. برنامه‌ریزی او برای تسلیم ایران ظرف یک هفته و حداکثر تا یک ماه بود.

اروپا، آمریکا و شوروی آن روز، دل خوشی از انقلاب مذهبی ایران نداشتند. در این بین، کشورهای غربی بیش‌تر از همه خود را در معرض خطر نفوذ فرهنگی انقلاب اسلامی می‌دیدند؛ به همین دلیل همگی مشوق و حامی صدام در حمله به ایران شدند و در طول هشت سال جنگ، او را تجهیز و تسلیح و پشتیبانی نمودند و مدرن‌ترین جنگ‌افزارهای هوایی، زمینی و دریایی را در اختیارش گذاشتند، تا علاوه بر حمایت از او، نقاط ضعف و قوت سلاح‌های جدید خود را در میادین جنگ کشف کنند. به طوری که در سال‌های پایانی جنگ، هواپیماهای فوق مدرن میراژ، سوپراتاندارد فرانسه، میگ‌های ۲۲ شوروی، و ای‌واکس‌های (AVAX) اهدایی آمریکا به ملک فهد، صحنه‌ی جنگ را برای ما سخت کردند. در مقابل، اراده‌ی آهنین

رهبری امام خمینی^(ره) و اخلاص و از جان گذشتگی جوانان ایران، هشت سال آن‌ها را به چالش و فرسایش کشید، تا دگر بار کسی سودای تعرض به کشور بزرگ ایران را نداشته باشد.

از اوّل انقلاب تا چهارده سال پس از پیروزی آن در نهادهای انقلابی خدمت کرده‌ام و خاطرات ارزشمندی از تحولات انقلاب در محیط کار خود دارم. بخش اعظم این خاطرات را تحت عنوان زندگی‌نامه‌ی خویش به صورت اختصاصی برای فرزندانم - که بحمدلله همه اهل علم و فضلند - نوشته‌ام. کتاب پیش رو خلاصه‌ی ناچیزی از خاطرات من از دفاع مقدس است که به توصیه‌ی یکی از دوستان، چند سال پیش در یکی از جراید چاپ شد و بنا بود تا مدت‌ها ادامه یابد؛ اما، به دلایلی فقط سی شماره از آن چاپ شد که لازم دیدم آن‌ها را چاپ و به هم‌زمان و یاران قدیمی انقلاب هدیه نمایم.

روزهای نخست جنگ، مرزهای مشترک ما با کشور عراق مورد تهاجم قرار گرفت، لذا اوّلین کلونی‌های رزمی در مقابل تهاجم صدام از قصبات و شهرهای مرزی شکل گرفت و چون در آن زمان من ساکن خوزستان بودم، طبیعی بود که می‌بایست وارد میدان جنگ بشوم. سایر استان‌ها، از جمله لرستان که تا آن زمان، درگیر مبارزه با گروه‌های ضد انقلاب در نقاط مختلف بودند، تقریباً حدود یک ماه پس از شروع جنگ، به میدان مبارزه با دشمن وارد شدند که از آن تیم شاید افراد انگشت‌شماری وجود داشته باشند و افرادی که در حال حاضر در ارکان‌های نظامی هستند، اکثراً از سال ۱۳۶۱ و بعد از آن وارد ارکان‌های سپاه و بسیج شدند. این افراد اطلاعات‌شان از روزهای اوّل

جنگ به طور عینی ضعیف است. با این وجود، بر خود لازم دیدم که خاطرات ذی‌قیمت خود را از روزهای اوّل جنگ تحمیلی، برای علاقه‌مندان و وطن‌دوستان به عرصه‌ی چاپ بیاورم. ان شاءالله که مفید باشد.

ابیاتی که به همین مناسبت سروده‌ام:

یاربا چه سودایی ما را در سر بود

چون فرشتگان از آسمان به فرش هبوط

شیداً و از کف داده عنان

نه در فکر جوانی و زندگی، نه جان

بهر فرمان آن پیر زاهد، حیران

چه گل‌هایی که پرپر شد برای بقای ایران

الهی! ماندیم سال‌ها و دیدیم صره و ناصره

چه وارونه شد لتعز بلونه غربله

حاجی‌رضا خدابخشی

بهار ۱۳۹۲